

## اخبار

### وقتی اسپایدرمن رونالدو را خاموش کرد

کریستیانو رونالدو اولین کسی نبود که قد کوتاه الساندرو فلورنتزی را به کاپیتان رم یادآوری می‌کرد. فلورنتزی نزدیک بود در نوجوانی جایگاه خودش در آکادمی رم را به خاطر همین قد کوتاهی از دست بدهد. اما مداخله برونو کونتی بزرگ، بازیکنی که خودش با قدی کوتاه‌تر از فلورنتزی، ۴۷ بار برای تیم ملی ایتالیا بازی کرده بود، باعث شد تا او در باشگاه باقی بماند و این هفته ۲۵۰امین بازی‌اش برای تیم اصلی رم را جشن بگیرد. پس اگر رونالدو فکر می‌کرد با تحقیر قد کوتاه فلورنتزی می‌تواند روی عصاب او برود، کاملاً در اشتباه بوده. دقیقه ۵۸ بود که درگیری لفظی دو بازیکن رخ داد. فلورنتزی به رونالدو اعتراض کرد که چرا توپ را برای درمان هم‌بازی‌ش به بیرون نفرستاده. رونالدو در جواب به فلورنتزی گفت سکوت اختیار کند چراکه برای اظهار نظر خیلی کوچک‌تر از این حرف‌هاست.

چند دقیقه بعد از این برخورد رونالدو گل اول بازی را روی پاس پائولو دیبالا زد، گلی که البته توسط وار مردود اعلام شد تا دقایقی بعد این فلورنتزی باشد که دروازه یوونتوس را باز کند و نتیجه را ۰-۱ به سود تیمش رقم بزند. کاپیتان رم بعد از یک و دوی دقیقش با ادین ژکو و فرار از پشت چورجو کیلینی و چپ زدن به ویزک شژنی، همنطور که توپ در حال چسبیدن به تور دروازه بیانکتوری بود، به سوی کوروا سود (جایگاه هواداران دو آتشه رم در قسمت جنوبی استادیو الیمپیکو) دوید و با پریدن از روی تابلوهای تبلیغاتی خودش را نزدیک‌ترین فاصله ممکن با اولتراهای جالوروسی رساند.

بعد از پایان این بخش از خوشحالی، فلورنتزی رو به دوربین تلویزیونی کرد و ادای اسپایدرمن را با شلیک تار عنکبوت از مچ‌های در آورد. آیا این پیامی کنایی به رونالدو بود؟ اینکه ریزترین آدم‌ها هم می‌توانند بدل به ابرقهرمانان شوند؟ بعد از بازی البته خود فلورنتزی اعتراف کرد تنها در حال وفا به قولی بوده که به همسر و دو دختر کوچکش داده بود.

فلورنتزی در لحظه‌ای که اسپایدرمن شد به رونالدو فکر نمی‌کرده. واقعا چه لزومی هم داشته؟ یونتوس و رم این فصل مسیری کاملاً جدا را طی کردند. پاشی پیر تورین برای هشتمین فصل پیاپی، بدون دردرس خاصی، فاتح اسکودتو شد، در حالیکه رمی‌ها هنوز برای چهارم شدن و کسب سهمیه‌ی چمپیونز لیگ برای فصل آینده می‌جنگند

این حقیقتی دردناک برای فلورنتزی و هم‌تیمی‌هایش است. رمی‌ها بعد از رسیدن به نیمه نهایی چمپیونز لیگ در فصل گذشته، این فصل را با امید و آرزوهای بلندپروازانه‌ای شروع کردند، به خصوص با اتکا به هوش و استادی مونچی در کشف و جذب پدیده‌های مستعد. جالوروسی اما برعکس پسرفت کرد. فروش الیسون، راجا بانگولان و کوین استروتمن در یک تابستان تعادل تیم را به هم ریخت و تجربه و قدرت رهبری درون زمین را از آن‌ها گرفت. مونچی نیروهای هجومی جوان و جذاب زیادی به تیم آورده بود، اما رم با کمبود مدافع مرکزی و هافبک دفاعی روبرو شد. بدین ترتیب در نهایت اوزبئو دی فرانچسکو اخراج شد و مونچی استعفا داد. کلودیو رانیری جای دی فرانچسکو را گرفت تا بلکه این کشتی طوفان‌زده را به سلامت روانه ساحل کند. ورود رانیری ضعف‌های دفاعی جالوروسی را تا حدی پوشش داد، اما شاید دیگر دیر شده بود.

شکست دادن یوونتوس در خانه قطعا شیرینی خاص خودش را داشت، اما پیروزی دیشب اینتر برابر بولونیا به این معنا بود که رم در فاصله تنها دو هفته تا پایان فصل همچنان در رده ششم جدول باقی می‌ماند، با سه امتیاز کمتر نسبت به آتالانتای رده چهارمی. حتی در صورت تساوی امتیا با آتالانتا یا میلان رده پنجمی، رم در نتیجه ر و در رو مقابل هر دو تیم دست پایین را خواهد داشت.

بی‌جهت نیست که فلورنتزی از این فصل به عنوان بدترین دوران در شش سال اخیرشان نام برده. البته خود او در رقم خوردن این فصل تلخ و تاریک به هیچ وجه بدون تقصیر نبوده. این فلورنتزی بود که در دقایق پایانی بازی برکشت برابر پورتو، بی‌جهت پیرامن فرناندو را کشید تا داور رم مجبور به اعلام ضربه پنالتی کند. این پنالتی باعث حذف رم از مرحله یک هشتم نهایی چمپیونز لیگ، و ترک استادیوم دراگائو با چشمان پر از شک فلورنتزی شد. فلورنتزی بعد از بازنشستگی فرانچسکو توتی، عنوان «کاپیتانو فوروو» (کاپیتان آینده) را از دنيله دروسی به ارث برد. در عمل اما با توجه به عدم توانایی دروسی ۲۵ ساله برای حضور در تمام بازی‌ها، فلورنتزی این فصل نقش کاپیتان اول رم را بازی کرده. او هم مثل توتی و دروسی متولد و بزرگ‌شده رم است و با وجود مشکلاتی که در یکی دو فصل اخیر با تماشاگران تیمش پیدا کرده، همچنان یک رمی اصیل و محبوب از سوی اولترها به شمار می‌آید.

شاید پیروزی ۲-۰ برابر یوونتوس هم در نهایت برای چهارم شدن رم و رسیدن به چمپیونز لیگ کافی نباشد. اما گاهی فوتبال لذت‌های ساده و سر راستی با خودش به همراه می‌آورد؛ چطور هواداران هم می‌توانند خودشان را از لذت خاموش شدن رونالدو توسط قهرمان ریزنش‌شان محروم کنند؟

آی‌اسپورت – از آخرین باری که تکلیف قهرمانی بوندسلیگا به هفته پایانی فصل کشیده شد یک دهه می‌گذرد، وقتی بایرن مونیخ و ولفسبورگ با امتیازی برابر پا به هفته ۳۴ام گذاشتند و در نهایت این شاگردان فیلیکس ماگات بودند که جشن قهرمانی را برپا کردند.

فصل بعد هم روی کاغذ تکلیف قهرمانی به هفته پایانی کشید، اما با این تفاوت که بایرن سه امتیاز بیشتر داشت و تفاضل گلش هم ۱۷تالابااثر بود. پس تغییر قهرمان در این هفته عملاً ناممکن به نظر می‌رسید.

حالا بعد از ۱۰ سال یک بار دیگر هفته پایانی بوندسلیگا سرنوشت‌ساز شده. بایرن همچنان دو امتیاز از دورتموند بیشتر دارد و تفاضل گلش هم ۱۷تالاباثر است. پس عملا یک تساوی هم برای نیکو کوواچ و شاگردانش در هفته پایانی کافی خواهد بود، تیمی که با مشکلات زیادی که در این فصل داشت عملا دورتموند را با تمام فرصت‌سوزی‌هایی که کردند تا این مرحله رساند. پیروزی ابتدای هفته دورتموند برابر فورتونا دوسلدورف یک بار دیگر نشان از شکاف‌های متعدد تیم لوسین فاور داشت. در این برد ۲-۳ کریستین پولیسیک، در حالیکه جیدون سانجو به دلیل بیماری قادر به قرار گرفتن در ترکیب اصلی نبود، آخرین بازی خانگی‌اش برای دورتموند در انجام داد و گل اول بازی را هم خودش زد. این گل که در دقایق پایانی نیمه اول به ثمر رسید عملا باید کار بازی را یک سره می‌کرد، اما دو اشتباه بزرگ

## جذابیتی به نام پریمیر لیگ

۱- ۱۲ ماه گذشته برای انگلیسی‌ها فراموش‌نشدنی بوده. تیم ملی آنها به جمع ۴تیم پایانی جام جهانی راه یافت، لیگشان جذاب‌تر از همیشه دنبال شد و قهرمانی هر دو جام اروپایی(لیگ قهرمانان و لیگ اروپا) به تیم‌های انگلیسی رسید؛ آنهم قبل از برگزاری فینال! انگلیس حالا حاکم واقعی و شایسته فوتبال اروپاست. اما این قدرت از کجا سرچشمه گرفت؟ بدون هیچ شک و شبهه‌ای از قرارداد جدید حق پخش تلویزیونی رقابت‌ها که چند سال پیش بین سازمان لیگ و شبکه‌های اسکای و بی‌تی بسته شد. قراردادی که باعث می‌شد حتی تیم بیستم جدول لیگ انگلیس هم از قهرمان اکثر کشورهای صاحب فوتبال، عایدی بیشتری داشته باشد. در انگلیس شما نمی‌توانید به صورت مجانی فوتبال‌های لیگ داخلی‌تان را تماشا کنید و حتی کافه‌های شهر هم برای نمایش فوتبال باید حق اشتراک بپردازند. همین باعث شده تا قدرت چانه زنی شبکه های خصوصی انگلیسی بالا برود و آنها پولی از که مردم می‌گیرند را با تیم‌های لیگ برتری شریک شوند. فوتبال در انگلیس یک صنعت سرگرمی واقعی‌ست که حالا به مدد رشد درآمد‌هایش برای سرمایه گذاران شرقی و آمریکایی هم جذاب‌تر شده و این یعنی تزریق پول بیشتر به لیگ و جذاب‌تر شدن آن.

۲- وقتی به منچستر سیتی فکر می‌کنید، اولین چهره‌ای که جلوی چشمان‌تان نقش می‌ی‌ندد، پپ گواردیولاست. او ستاره تیم قهرمان این فصل لیگ برتر بود. مردی پر انرژی که تاکتیک‌های هجومی‌اش زبازد خاص و عام است. گواردیولا قبل از روز پایانی لیگ گفته بود هرگز برایش مهم نیست که در آنفیلد چه اتفاقاتی می‌افتد، اما واقعیت این است که او این فصل برعکس سال گذشته، یک رقیب جدی به نام لیورپول داشت و مجبور بود مدام به جدول نتایج پایان هفته نگاه کند. مربی منچستر سیتی در

روزنامه‌صبح ایران

## حسرت‌های دورتموند و سرنوشت هفته پایانی



از ماروین هیتز، که جانشین رومن بورکی درون دروازه شده بود، امید‌های فورتونا ۱۰ نفره را تا لحظات پایانی زنده نگاه داشت.

تساوی بدون گل بایرن برابر لایپزیگ، دورتموند را با این پیروزی به دو امتیازی فاتح شش فصل اخیر بوندسلیگا رساند. اگر به شکلی شگفت‌انگیز شاگردان فاور موفق به پاره کردن این روند شوند، نام‌شان در تاریخ ثبت خواهد شد. اما هیته تیم در فصل اخیر، در کورس قهرمانی، به اندازه دورتموند فاور فرصت‌سوزی نکرده بود. بایرن هم این هفته بازی سختی را پشت سر گذاشت. با اینکه به نظر می‌رسید لایپزیگی

قرار گرفتن رابرت لواندوفسکی در منطقه آفساید مردود اعلام شد. آفسایدی که از مهاجم لهستانی باواریایی‌ها گرفته شد بسیار نزدیک بود و عملا یک قدم دیده می‌شد. اولی هوینس از این تصمیم به عنوان چوک سال یاد کرد و اعتقاد داشت وار اصلا نباید وارد قضاوت می‌شده چون «اشتباهی آشکار» رخ نداده بود.

اندکی نگران‌کننده است که چطور بعد از گذشتن دو فصل از ورود وار به بوندسلیگا هنوز هستند کسانی که قوانین استفاده از آن را درست درک نکرده‌اند. در تصمیماتی چون آفساید چیزی به نام «اشتباه آشکار» وجود ندارد و همه چیز صفر و صدی است. کمک داور این بازی به درستی پرچم آفساید را با شک و تردید بالا نبرد و اجازه داد بعد از به پایان رسیدن حرکت وار تصمیم نهایی را بگیرد. اگر کمک داور پرچم می‌زد، گورتزکا هم فرصتی گلزنی پیدا نمی‌کرد و اصلا این بحث‌ها و اعتراض‌های هوینس پدید نمی‌آمد. اما اگر کمک داور به اشتباه پرچم زده بود، فرصتی برای گلزنی بایرن را ازشان گرفت بود. پس تصمیم او کاملاً صحیح بود و هوینس با تمام درگیری‌های پایان فصلی که دارد باید حداقل قوانین وار را دیگر بلد باشد.

بایرن در هفته پایانی برابر آینتراخت فرانکفورت، تیم سابق کوواچ، قرار خواهد گرفت و دورتموند برابر بورسیا مونشن‌گلادباخ، تیم سابق فاور و مارکو رویس. آیا عامل رویارویی با تیم‌های سابق می‌تواند در تکلیف قهرمانی بوندسلیگا سرنوشت‌ساز شود؟



قهرمانان هم هست اما همه این‌ها برای قهرمانی در لیگی که سیتی و گواردیولا حضور دارند کافی نبود. در ۱۰ سال گذشته هر تیمی در کریسمس صدرنشین بوده، پایان فصل لیگ برتر را برای خود کرده؛ جز سه مورد: لیورپول فصل ۰۹-۲۰۰۸ لیورپول فصل ۱۴-۲۰۱۳ و لیورپول فصل ۱۹-۲۰۱۸

فصل بعد اما قطعاً شرایط می‌تواند بهتر از این باشد. لیورپولی‌ها امسال ۲۲ امتیاز بیشتر از فصل پیش گرفتند و با حفظ این روند می‌توانند به آرزوی دیرینه‌شان برسند؛ قهرمانی در لیگ برتر.

۴- جذابیت این فصل لیگ برتر البته فقط در کورس قهرمانی نبود. تیم‌های دیگر هم برای رسیدن به لیگ قهرمانان تلاش زیادی کردند. چلسی و تاتنهام در آخر پیروز شدند و به لیگ قهرمانان رسیدند. آرسنال اما هنوز وضعیتش مشخص نیست. آنها در صورت قهرمانی در لیگ اروپا می‌توانند سهمیه تیم‌های انگلیسی در چمپیونز لیگ را برای اولین بار به عدد ۵ برسانند. منچستر یونایتد هم که بعد از رفتن مورینیو، روند خوبی را شروع کرده بود در هفته‌های پایانی این فصل مورینیو، روند خفیفه ت جدولی را بربرد و نه کاردیف سقوط کرده را. آنها حالا مجبورند فصل بعد در لیگ اروپا باشند. جایی که به قول سولر، فعلاً لیاقت‌شان بیشتر از آن نیست.

## پشت پرده یک قهرمانی



بازیکنان و مربی‌ها. به بازیکنان اجازه نفس کشیدن نمی‌دهیم اما این تنها راه است.» شاید دوشنبه بازیکن را در آغوش بگیرد. اما سه‌شنبه حتی با او حرف نمی‌زند. درباره انتخاب تیم توضیحی داده نمی‌شود. همیشه باید منتظر باشید و رقابت سالم برای حضور در ترکیب به این تیم مستعد انگیزه می‌دهد. گواردیولا از بازیکنانش می‌خواهد بیشتر فکر کنند. ژئوسس برای آمادگی جسمی و رژیم غذایی یک مربی شخصی از برزیل استخدام کرده. دانیلو هم می‌گوید وقتی بازی‌ها را می‌بیند بهتر می‌تواند تحلیل کنند.

تکات تمرینی ۱۰ دقیقه‌ای گهته می‌شود و آرتتا مسئولیت حفظ شادابی تیم را برعهده دارد. بازیکنان سیتی در شش ماه آخر فصل شاید یک روز تعطیلی کامل و همه جانبه ندارند برای همین از فرصت گذراندن یک شب با خانواده قبل از مسابقات به خوبی استفاده می‌کنند. شب بعد از باخت به نیوکاسل، گواردیولا به همراه خانواده به تئاتر رفت به جای اینکه تساوی لیورپول و لستر را تماشا کند. خیلی از بازیکنان تلاش کردند در این کورس پایان فصل خودشان را از بازی‌های لیورپول دور نگه دارند. بعضی‌ها هم برای تماشای مسترز رفتند. رحیم استرلینگ به شوخی گفت بازی‌های لیورپول را نمی‌بیند مگر اینکه امتیاز از دست بدهند اما هر وقت تلویزیون را روشن می‌کند، لیورپول گل می‌زند.

جو رختکن سیتی در بازی دو هفته پیش در اولدترافورد «سخت‌ترین» توصیف شد، بازیکنان قبل از دیدار در حال دویدن و تمرین شدید مشاهده شدند درست مثل دو ماه قبل گواردیولا در ویمبلی. سیتی با دو گل یونایتد را شکست داد با اراده‌ای فولادی که برای رسیدن به هدف از همه چیز واجب‌تر است.

## اخبار

### همان گواردیولای همیشه با دوزی از پراگماتیسم

آی‌اسپورت – فوتبال سال ۲۰۰۸ برای همیشه تغییر کرد: پپ گواردیولا مربی بارسلونا شد. پیش از این هم البته فوتبال مسیر پیشرفت و تحول خودش را طی می‌کرد. تغییر قانون‌های آفساید و پاس رو به عقب به دروازه‌بان و همچنین برخورد جدی داوران به تکل‌های خشن و به خصوص از پشت، همه در جهت ترویج و تشویق فوتبال هجومی و تکنیکی‌تر بود. تغییرات معادلات اقتصادی در فوتبال هم فاصله زیادی بین باشگاه‌های متمول و باشگاه‌های بی‌پول پدید آورده بود.

اما دستاوردی که گواردیولا با نسلی طلایی از بازیکنانش در بارسلونا به آن رسید مرزهای ممکن و ناممکن را در جهان فوتبال جابجا کرد.

گواردیولا با اتکا به همین فلسفه همچنان پیش می‌رود، سبک و روشی که حالا دو قهرمانی پیاپی برای منچستر سیتی در لیگ برتر به همراه آورده است.

گواردیولا در اولین فصل حضورش در سیتی، فصلی که بدون جام برای او به پایان رسید، در واکنشی به خبرنگاران و مطبوعات گفت: «من ۲۱ جام در هفت سال برده‌ام، یعنی متوسط سه جام در سال. شرمنده بچه‌ها من عوض نمی‌شم.» از منظر گل حرف گواردیولا درست است، اما از نگاهی ریزبینانه تضادی در آن به چشم می‌آید. گواردیولا به بررسی جزئی‌نگرانه حریفانش معروف است. او ساعت‌ها وقت صرف آنالیز حریف و پیدا کردن نقاط

ضعف آن‌ها می‌کند. اما اگر از این داده‌ها هیچ استفاده‌ای برای تطبیق و تنظیم تیمش نبرد، اصلا کل این داستان چه فایده‌ای خواهد داشت؟ نشانه‌هایی از این تغییر رویکرد در بازی مقابل برایتون دیده می‌شد. تیم کریس هیویتی تنها دو تا از ۱۷ بازی آخرش را برده بود، تیمی که پیش از آخرین بازی فصل، دو بار برابر سیتی شکست خورده بود. اما پپ این بازی را از پیش زده فرض نکرد و ترکیبی مخصوص برای آن به برمن فرستاد، ترکیبی اندکی عجیب با سیستم ۱-۴-۴ که در آن رحیم استرلینگ نقش مهاجم دوم را بازی می‌کرد. شاید این واکنشی به بازی دو تیم در جام حذفی بود، جاییکه برایتون تا حد زیادی خطرات سیتی را خنثی کرد، البته بعد از دریافت گل اول. به هر شکل طرح حریف پپ در این بازی جواب نداد و خیلی زود سیتی به سیستم اشنا ۲-۳-۴ خودش بازگشت.

۳-۳-۴ سیستم پایه تیم‌های گواردیولا و اصولا اکثر تیم‌هایی که فلسفه توتال فوتبال را دنبال می‌کنند است. در این سیستم عرضی و وینگرها به تیم می‌دهند اهمیت زیادی در باز کردن بازی دارد. سیتی این فصل بیشتر از کوین بدوینه، برناردو سیلوا را در ترکیب خودش می‌دید (بخش اعظمی از دلایش مصدومیت‌های هافبک بلژیکی بود). استرلینگ هم این فصل در بعد هجومی بیشتر از فصول گذشته کارساز بود. در خط دفاعی هم امریکر لاپورت بیش از جان استونز در ترکیب اصلی قرار گرفت. با وجود این تغییرات اما سیتی کامیش همان تیم فصل پیش بود.

درصد پاس‌های سالم بازیکنان سیتی در این فصل، نسبت به فصل گذشته تغییری نکرده؛ ۸۹ درصد. میانگین مالکیت توپ آن‌ها از ۶۶٫۴ درصد به ۶۴ درصد اندکی افتاد. میانگین شوت به دروازه حریفان از ۱۷٫۵ در ۹۰ دقیقه به عدد ۱۸ رسید. و در نهایت سیتی دو امتیاز کمتر از فصل پیش گرفت و ۱۱ گل کمتر زد، اما دو گل هم کمتر خورد.

روش بازی سیتی در این فصل، به خصوص در نیمه دوم آن، با رویکردی از کنترل همراه بود: زدن گل اول و حفظ نتیجه، با حفظ توپ و جریان بازی، به جای بی‌بروا حمله کردن برای زدن گل‌های بیشتر. در ۱۶ بازی که سیتی این فصل در ۱۵ دقیقه اول از حریفانش پیش افتاد، تنها یک بازی (شکست برابر نیوکاسل) با پیروزی شاگردان گواردیولا به پایان نرسید. بعد از این شکست مقابل نیوکسل، سیتی روند ۱۴ پیروزی پشت سر هم را پیش گرفت، همراه با ۱۰ گلین شش. این روندی بود که در نهایت قهرمانی دوباره لیگ برتر را برایشان به همراه آورد. در تاریخ این لیگ تنها یک تیم رکوردی بیش از ۱۴ پیروزی پیاپی به جا گذاشته، خود سیتی در فصل گذشته ۱۸ برد پشت سر هم.

شاید فوتبال سیتی جذابیت فصل پیش را نداشت، اما این موضوعی نیست که برای گواردیولا کوچکترین اهمیتی داشته باشد. وظیفه او بردن است. اتفاقا شیوای که او برای فتح لیگ در این فصل پیش گرفت رنگ و بوی زیادی از لیورپول در اوج به رهبری بیل شنکلی و باب ینرلی داشت.

در این میان شاید مهمترین تغییر در رویکرد گواردیولا به همان بازی رفت با لیورپول سیتی در آن ۴-۳ و ۳-۰ در لیگ و چمپیونز لیگ شکست خورد. گواردیولا در این بازی ۳-۴-۴ همیشگی خودش را رها کرد و با سیستم ۱-۴-۴ استرلینگ و رضای ماز را به مرکز خط میانی نزدیک کرد و از داوید سیلوا به عنوان یک مهاجم دوم بهره گرفت. کایل واکر هم در این سیستم عملا نقش مدافع مرکزی سوم را بازی می‌کرد. شرمنده بچه‌ها من عوض نمی‌شم؟ با شکست شاید فقط اندکی، آن هم برابر تئاتر حریف جدی‌ام.

طرح گواردیولا در این بازی جواب داد و قدرت هجومی لیورپول تا حد بسیار زیادی خاموش شد تا جدال دو تیم با تساوی بدون گل به پایان برسد. البته که اگر بازی مازز می‌گرفت، به هر سو این بازی‌ای بود که عملا حکم قهرمانی سیتی در این کورس نزدیک و نزدیکان را صادر کرد. گواردیولا این فصل هم همان مربی ایدئال‌گرای همیشگی بود، با اندک دوزی از پراگماتیسم البته.